یادداشت روز

فرسایش اسرائیلیات در ماراتن استقامت

۱)جنگ جاری و ریشه‌دار در منطقه، بی‌شباهت به ماراتن استقامت نیست که مسافت‌های طولانی، حتی تا ۴۲ کیلومتر را شامل می‌شود. در دوی صد متر، شتاب و سرعت دوندگان مهم است و رقابت، در کمتر از ده ثانیه به پایان می‌رسد. اما دوی ماراتن، ساعت‌ها طول می‌کشد و بیش از شتاب و هیجان لحظه‌ای، نیازمند پایداری و حرکت پیوسته است. از دو جنگ تحمیلی بزرگ به منطقه در جریان جنگ اول و دوم جهانی که بگذریم، غرب آسیا شاهد ده‌ها جنگ در هشتاد سال اخیر بوده و برجسته‌ترین آنها، زنجیره‌ای از نبردهاست که حول مسئله فلسطین شکل گرفته است. اسرائیل در نیمه اول این ماراتن هشتاد ساله، طرف غالب ماجرا بود اما در نیمه دوم، شکست‌های راهبردی مهمی متحمل شده است. البته، طرف مقابل رژیم صهیونیستی نیز تحولات گوناگونی را به خود دیده است؛ از الهام‌بخشی سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی، تا طلوع مقاومت اسلامی. نبردی چنین دامنه‌دار و ماراتُنی را نمی‌توان صرفا با دیدن چند قاب بسته، روایت کرد بلکه مطالعه دقیق روندهاست که نشان می‌دهد کدام طرف به هدف پیروزی نزدیک شده و کدام یک با وجود سبقت اولیه در چند ده سال قبل، در حال عقب افتادن است.

۲) مهم‌تر از اصل این نبرد نفسگیر، روایت آن است و طرف عبری- غربی می‌کوشد با دستکاری در روایت، ناکامی خویش را پنهان، بلکه وارونه بازنمایی کند. باید خاطر نشان کرد که صهیونیسمِ برآمده از یهودیت منحرف (و غرب در هم تنیده با آن)، مهارت بالاییِ در تحریف دارند. آنها همچنان که در تورات و انجیل دست بردند، ید طولایی در تحریف روندهای روز دارند. مجموعه این تحریفات را باید «اسرائیلیات جدید» نامگذاری کرد که می‌کوشد واژگونی بخت رژیم صهیونیستی را بر عکس روایت کند و جنایت و ترور را جای روند اصلی (پیشروی و فراگیری مداوم گفتمان مقاومت در منطقه و جهان) بنشاند. صهیونیست‌ها و حامیان‌شان، دهه‌ها با ترویج انواع «اسرائیلیات» (وارونه‌نمایی حق و باطل) مسلط شدند. اما حالا به برکت مقاومت مظلومانه و سلحشورانه غزه، نقاب از چهره مافیای جهانی تحریف افتاده است. به همین علت هم، تا مرز تبدیل شدن به متهم نسل‌کشی و جنایت جنگی نزد محاکم بین‌المللی پیش می‌روند. آنها اگر قافیه را نباخته بودند، این خودزنی حیثیتی را به جان نمی‌خریدند.

۳) در حالی که آتش‌بس دیگری برقرار شده و مبادله اسیران و برگزاری نشست موسوم به صلح در شرم الشیخ در راه است، نباید از تحولات مهم امنیتی غافل ماند. اما در عین حال، باید میدان نبرد هشتاد ساله به ویژه دو سال اخیر را فراتر از رویدادهای موردی دید. حکمت استوار و فلسفه وجودی مقاومت، ریشه‌دارتر از آن است که با جنایت و نسل‌کشی و ترور از بین برود؛ که اگر چنین بود، ماجرا باید در همان جنگ‌های سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و یا سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۰ (اشغال لبنان و غزه) پایان می‌پذیرفت. اما مقاومت، هر بار قدرتمندتر شده و بحران را به عمق رژیم صهیونیستی کشانده است.

۴) مقاومت با همه فراز و نشیب‌ها، یک روند است، نه یک طرح و پروژه کوتاه مدت که به سرعت به سرانجام برسد، یا بشکند و از بین برود. مقاومت در منطقه، پاسخی به عالمگیرترین رنج بشر، یعنی سلطه‌طلبی اخلاف فرعون در قلب تمدنی جهان (غرب آسیا) است. طبیعی است که قدرت‌های بانی رژیم جعلی صهیونیستی هم با حداکثر توان، پای آن بایستند. اما در مقابل، بالاترین برانگیختی جهانی حتی در قلب کشورهایی‌های بانیان و حامیان جنایات اسرائیل، در دو سال اخیر شکل گرفته و گسترش یافته است.

۵) تحریف و فریب، بزرگ‌ترین حربه تمدن سلطه‌جوی غرب است. اگر تابناکی گفتمان مقاومت نبود، موضوع فلسطین ظرف چند دهه گذشته به خاطر انواع خیانت‌ها فراموش و نابود می‌شد. از طراحی توافق خیانت‌بار ابراهیم که بگذریم، اسناد فراوان حاکی از این است که اسرائیل قبل از غافلگیری در عملیات طوفان الاقصی، در حال نهائی کردن حمله به غزه بود. چنانکه روزنامه وال استریت ژورنال بعد از عملیات طوفان‌الاقصی فاش کرد: «اسرائیل از سال ۲۰۱۴ در حال تدارک مخفیانه برای حمله به غزه بوده است. ارتش برای انجام عملیات زمینی، یک پایگاه نظامی در ۱۹ کیلومتری غزه ساخت که روی آن، یک شهر ساختگی احداث شده بود. این پایگاه با انواع تسلیحات، برای عملیات آماده می‌شد». همچنین شبکه ۱۲ اسرائیل، همان ایام گزارش داد: «طبق اسناد به دست آمده، اسرائیل قبل از حمله حماس، طرح حمله گسترده به غزه را آماده کرده بود. ۶ روز قبل از آغاز این عملیات، مراکز اطلاعاتی اسرائیل، طرح حمله گسترده و ترور رهبران حماس را آماده کرده بودند. رونین بار رئیس شاباک، اول اکتبر ۲۰۲۳، شش روز قبل از حمله حماس، طرحی را برای ترور فرماندهان حماس ارائه داد و به رئیس ستاد ارتش توصیه کرد این طرح را پیش ببرد».

۶) اخیرا در پی انتشار مقاله‌ای کج فهمانه در یک روزنامه ایرانی علیه حماس و مقاومت غزه، فردی به نام «امیر تزارفاتی» (از پایوران شبکه عملیات روانی رژیم صهیونیستی، با ۶۳۰ هزار فالوئر در فضای مجازی) ذوق‌مرگ شده و ضمن باز نشر بخش‌هایی از آن مقاله، نوشت: «ایران شکست را پذیرفت! یا به طور ناخواسته اسرائیل را تحسین می‌کند. باید خواند! سر مقاله روزنامه [...]، یک متن استثنایی در انتقاد تند از حماس است. این سیگنال از درون ایران، برای اسرائیل، ارزش رسانه‌ای بزرگی دارد». اما علت این خر کیف شدن چیست؟ پاسخ را باید در صدها تحلیلی دید که روزانه در رسانه‌های صهیونیستی منتشر می‌شود و دلالت بر شکست راهبردی اسرائیل می‌کند. اقدام پایور رسانه‌ای دولت نتانیاهو، تلاش برای سرپوش گذاشتن بر حس عمیق شکستی است که در درون رژیم صهیونیستی حاکم شده است:

- رونن برگمن، تحلیلگر یدیعوت آحارونوت: چهار شرط از پنج شرطی که نتانیاهو برای جنگ در غزه تعیین کرده بود، محقق نشده؛ حماس سلاح خود را حفظ کرده، نوار غزه خلع سلاح نشده، اسرائیل کنترل امنیتی کامل بر کل منطقه ندارد و هیچ تضمینی برای تشکیل دولت جایگزین وجود ندارد. یک مقام ارشد اطلاعاتی اسرائیل تأکید کرده که مردم حق دارند پاسخ واقعی به چند پرسش اساسی را دریافت کنند: چرا توافق تا این حد دیر به دست آمد و چرا به عنوان پیروزی تبلیغ می‌شود، در حالی که اسرائیل عملا مجبور به واگذاری امتیازات قابل توجهی شده است؟

- روزنامه هاآرتص: اهداف سنوار محقق شد. حماس توانست سازمان و رهبری خود را حفظ کند و با دو دستاورد بزرگ از جنگ خارج شود: بازگرداندن فلسطین به صدر توجه جهانی پس از سال‌ها تلاش نتانیاهو برای به حاشیه راندن آن، و آزادی صدها زندانی.

- موشه فیگلین، سیاستمدار صهیونیست، کانال ۱۴ اسرائیل: جنگ غزه با شکست اسرائیلی‌ها تمام شد. ما با تحقیری سنگین مواجه شدیم. اسرائیل، در بدترین وضعیت، از زمان تأسیس تاکنون قرار گرفته است.

- آوی یسسخروف، تحلیلگر صهیونیست: تل‌آویو، در رسیدن به دستاوردهای سیاسی و نظامی در غزه ناکام مانده. با وجود ماه‌ها درگیری، حماس همچنان قدرت را در دست دارد و هیچ نشانه ای از فروپاشی ساختار آن دیده نمی‌شود. وضعیت کنونی، سازشی دردناک اما اجتناب‌ناپذیر است و دلیل اصلی آن، ناتوانی سران اسرائیل است.

- عاموس هرئیل، تحلیلگر هاآرتص: نتانیاهو تلاش خواهد کرد پایان جنگ را به عنوان دستاورد ارائه دهد؛ ولی بی‌شک بین آنچه او وعده داد و آنچه در غزه رخ داده، شکاف عمیقی برقرار است. فلسطینی ها موفق شده‌اند درگیری را به شکل بی‌سابقه‌ای، بین‌المللی کنند و این، برعکس اهداف اعلامی نتانیاهو است.

- آوی اشکنازی تحلیلگر روزنامه معاریو: حماس، قواعد بازی را تغییر داد. سخت‌ترین نبرد تاریخ اسرائیل نشان داد ارتشی که زمانی شکست‌ناپذیر تصور می‌شد، توازن را در برابر حریفی کوچک از نظر اندازه، اما بزرگ از نظر اراده و برنامه‌ریزی، از دست داده است. از لحظه آغاز عملیات ۷ اکتبر، آنچه رخ داد دیگر صرفاً یک رخنه امنیتی یا نظامی نبود، بلکه فروپاشی کامل نظام بازدارندگی بود. حماس توانست نبرد را علیه کل تیپ غزه ارتش اسرائیل فیصله دهد و دستاوردی به دست آورد که هیچ نیروی عربی در دهه‌های گذشته به آن نرسیده بود. اسرائیل، سال ها خود را با روایت بازدارندگی فریب داده، اما واقعیت میدان نشان می‌دهد «پادشاه، لخت است». حماس نه فقط در میدان جنگ، بلکه در ذهن و روان اسرائیلی ها پیروز شده و جامعه ما در وضعیتی از ترس، تردید و شکاف بی سابقه به سر می برد.

بقیه در صفحه ۱۱

عراقچی:

توافق قاهره فعلاً تعلیق شده و با آژانس همکاری نداریم

وزیر امور خارجه اظهار داشت: توافق قاهره در حال حاضر تعلیق شده است. همکاری با آژانس صورت نمی‌گیرد، مگر در قالب قانون مجلس. اگر هر درخواستی آژانس داشته باشد برای بازرسی از تأسیسات بمباران شده یا نشده ما، طبق قانون مجلس به شورای عالی امنیت ملی می‌رود و آنجا تصمیم‌گیری می‌شود که آیا دسترسی داده شود یا نشود.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه شامگاه شنبه ۱۹ مهرماه در برنامه گفت‌وگوی ویژه تلویزیونی به تشریح آخرین تحولات در حوزه سیاست خارجی پرداخت.

وی در این گفت‌وگوی خبری درباره طرح آتش‌بس در غزه عنوان کرد: ما همیشه از هر طرح و اقدامی که منجر به توقف جنایات و نسل‌کشی علیه مردم غزه شود، حمایت کرده‌ایم. هیچ کسی نیست که از توقف جنایت و نسل‌کشی و تخریب در غزه حمایت نکند.

رئیس دستگاه دیپلماسی بیان کرد: همیشه در همه مجامع بین‌المللی و روابط دوجانبه بر این تأکید کردیم که باید اقداماتی اتخاذ شود که جلوی جنایتکاران گرفته شود. هر طرحی که در این جهت باعث توقف جنایت شود، حامی آن بودیم و حمایت کردیم.

عراقچی گفت: اینکه این طرح چه اهدافی را در آینده در نظر دارد و چه مراقبت‌هایی باید صورت بگیرد، نظراتمان را گفته‌ایم. هیچ اعتمادی به رژیم صهیونیستی نیست. موارد مکرری از آتش‌بس را در گذشته در جاهای مختلف از جمله در لبنان شاهد بودیم که توسط این رژیم شکسته شده است. ما هشدارهای لازم را داده و باز هم خواهیم داد.

وی با بیان اینکه فعلا فاز اول این آتش‌بس اجرا شده، بیان کرد: عملیات جنگی متوقف و عقب‌نشینی اولیه صورت گرفته ولی همچنان بیش از ۵۰ درصد از خاک غزه در اشغال نیروهای اسرائیلی است و جای تردید جدی وجود دارد که آیا در آینده این عقب‌نشینی کامل خواهد شد یا خیر. قرار است در این روزها تبادل زندانیان و اسرا انجام شود.

هیچ مذاکره و پیامی با آمریکا رد و بدل نشده

رئیس دستگاه دیپلماسی درباره اظهارات ترامپ مبنی بر اینکه ایران از آتش‌بس حمایت کرده و می‌خواهد در مسیر صلح قدم بردارد، اینکه ویتکاف از شما خواسته از طرح آتش‌بس در غزه حمایت کند؟ صحت دارد؟ گفت: خیر صحت ندارد. برداشت ترامپ از بیانیه وزارت خارجه و موضع ایران به خودش مربوط است. ما تعارف نداریم از بخش‌هایی از این طرح حمایت کردیم آن قسمتی که مربوط به توقف جنایت می‌شود.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا پیامی به آمریکا داده‌ایم؟ گفت: خیر. برداشتی که آنها داشتند از موضع علنی ما صورت گرفته است.

عراقچی افزود: هیچ مذاکره و پیامی رد و بدل نشده است. بله در یک مقاطع زمانی در گذشته آمریکا تلاش داشت که موضوعات مختلف را با هم ترکیب کند موضوعات منطقه‌ای را با موضوعات مذاکرات هسته‌ای، ولی همیشه قاطعانه گفته‌ایم مذاکرات ما فقط در موضوع هسته‌ای است و هیچ وقت در خصوص موضوعی غیر از هسته‌ای، به‌خصوص مقاومت، با آمریکایی‌ها و هیچ کس دیگری هیچ مذاکره‌ای نداشتیم.

توافق قاهره تعلیق شده، همکاری با آژانس صورت نمی‌گیرد مگر در قالب قانون مجلس

رئیس دستگاه دیپلماسی درباره توافق بین ایران و آژانس که پیش از این گفته بود دیگر کارایی ندارد، اظهار داشت: اینکه چرا با آژانس توافق جدید کردیم به خاطر تغییرات میدانی بود که در اثر تجاوز غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی ایجاد شد.

وزیر امور خارجه بیان کرد: با اقدام سه کشور اروپایی در شورای امنیت انجام دادند، از نظر ما این توافق کارایی خود را از دست داده است. آیا ممکن است مجددا کارایی پیدا کند؟ اگر پیشنهادات منصفانه‌ای باشد که حقوق مردم تأمین شود و در آن راه‌حلی که اگر بخواهیم برسیم نقشی برای آژانس تعریف شود مجددا برمی‌گردیم به این توافق چون این توافق بر اساس واقعیات میدانی این توافق حاصل شد.

عراقچی ادامه داد: توافق قاهره در حال حاضر تعلیق شده است. همکاری با آژانس صورت نمی‌گیرد، مگر در قالب قانون مجلس. اگر هر درخواستی آژانس داشته باشد برای بازرسی از تأسیسات بمباران شده یا نشده ما، طبق قانون مجلس به شورای عالی امنیت ملی می‌رود و آنجا تصمیم‌گیری می‌شود که آیا دسترسی داده شود یا نشود.

وی ادامه داد: به صورت مطلق نمی‌گوییم دیگر همکاری نخواهد بود، چون برخی از این همکاری‌ها به نفع خود ماست. برای نمونه نیروگاه بوشهر زمانی که موعد تعویض سوخت آن باشد، باید بازرسان حضور داشته باشند یا راکتور تحقیقاتی تهران.

توافق قاهره کنار گذاشته شده درخواست‌های آژانس بررسی خواهد شد

وزیر امور خارجه بیان کرد: اگر چیزی به نفع‌مان باشد، طبیعی است که شورای عالی امنیت ملی تصمیم می‌گیرد. نمی‌توانیم بگوییم که روابط با آژانس به صورت کامل قطع شده است. فعلا توافق قاهره کنار گذاشته شده است و درخواست‌های آژانس بررسی خواهد شد. اگر به منافع ما مربوط باشد و نیازی باشد، شورای عالی امنیت ملی تصمیم گیری خواهد کرد.

تأیید صحبت‌های نتانیاهو

وی درباره اظهارات پوتین مبنی بر اینکه اسرائیل علاقه‌ای به درگیری با ایران ندارد، هم گفت: این خبر درست است. چند شب قبل یک تماس تلفنی بین نتانیاهو و آقای پوتین بوده و صبح روز بعدش سفیر ما را به ریاست جمهوری روسیه دعوت و این مطالب را از طرف نتانیاهو گفتند که نتانیاهو تأکید کرده بود قصد جنگ مجدد و درگیری مجدد با ایران را ندارد. دوستان روس به ما منتقل کردند و آقای پوتین این را بعداً علنی کرد و انتشار داد.

عراقچی بیان کرد: بعد از شنیدن این خبر، تغییری در ارزیابی‌های میدانی ما ایجاد نشد. نیروهای مسلح ما در آمادگی کامل به سر می‌برند و روز به روز در حال تقویت هستند. امکان فریبکاری از سوی این رژیم زیاد است. شاید اینکه پوتین تصمیم گرفت که علنی اعلام کند در جهت این بود که فریبکاری نشود.

نیچروان بارزانی: پس از دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای
کیفیت و ماهیت روابط ایران و اقلیم شمال عراق به‌طور قابل‌توجهی بهبود یافت

رئیس اقلیم شمال عراق روابط با ایران را مثبت توصیف کرد و گفت: ایران در دوران سخت به ما کمک کرد و همسایه مهمی برای ماست.

نیچروان بارزانی، رئیس اقلیم شمال عراق در نشستی که روز چهارشنبه از سوی اندیشکده آمریکایی «خاورمیانه» در شهر اربیل برگزار شد، گفت: روابط ما با ایران دو مسیر دارد؛ نخست اینکه ایران کشور همسایه ماست و مرزهای طولانی با آن داریم و هرگز نخواسته‌ایم روابط‌مان با آن تضعیف شود. در عین حال، ما منبع تهدیدی برای ایران نیستیم و نمی‌خواهیم در اقلیم کردستان با هیچ کشور همسایه‌ای دشمنی داشته باشیم. این سیاست ماست.

به گزارش تسنیم از شفق‌نیوز، وی افزود: از نظر اقتصادی، میان ایران و اقلیم کردستان مبادلات تجاری به ارزش ۱۱ میلیارد دلار وجود دارد. سال گذشته پس از سفرم به ایران، صفحه جدیدی در روابط میان اقلیم و تهران گشوده شد و رئیس جمهور ایران نیز به اقلیم کردستان آمد. به نظر من این اتفاق تأثیر مثبتی بر روابط ما با ایران داشت.

بارزانی بار دیگر تأکید کرد: ایران کشوری مهم است و ما خواهان توسعه و تقویت بیشتر روابط با آن هستیم. اقلیم کردستان هرگز منبع تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران نبوده است. ایران در دوران سخت به ما کمک کرد و همسایه مهمی برای ماست.

رئیس اقلیم شمال عراق در مورد روابط این منطقه با ایران گفت: پس از سفرهایم به ایران و بعد از دیداری که با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای داشتیم، معتقدم که نوع، کیفیت و ماهیت روابط میان ایران و اقلیم کُردستان، به‌طور قابل‌توجهی بهبود یافته است.

خبر ویژه

تسخیر سفارت اشتباه نبود حمایت از بانیان فتنه ۸۸ اشتباه بود

حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری که از چهره‌های باسابقه و مبارز انقلاب اسلامی ایران به حساب می‌آیند؛ در اظهارنظری عجیب مدعی شده‌اند: «از نظر من، تصرف سفارت آمریکا به‌عنوان «لانه جاسوسی» اشتباه بزرگی بود؛ به‌نظر می‌رسد بسیاری از گرفتاری‌ها از همان نقطه آغاز شد. وقتی بخواهیم راهکار پیشنهاد کنیم باید بدانیم مشکل چیست. مگر در سایر سفارتخانه‌ها در دنیا قسمتی برای امور اطلاعاتی و جاسوسی وجود ندارد؟ آنجا را اشغال کردند و آمریکا هم در یک عمل متقابل سفارتخانه ما را گرفت و پول‌های ما را بلوکه کرد. از آن زمان، مجموعه‌ای از مشکلات و واکنش‌ها ادامه پیدا کرد که به‌نظر من ناشی از همان تصمیمات اولیه بود.»

اظهارات جناب آقای ناطق‌نوری از این جهت تعجب‌آور است که ایشان با توجه به تجربه تاریخی خودشان و سابقه مبارزاتی‌شان باید بهتر از هرکس دیگری بدانند که ریشه دشمنی آمریکا با ایران، تسخیر سفارت آمریکا نبوده است. آیا در جریان کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی ایران هم مردم ایران سفارت آمریکا را اشغال کرده بودند که با سرکوب قیام ملی خود توسط آمریکا مواجه شدند؟ آن زمان که محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت علاقه‌ای یک‌طرفه به ساکنان کاخ‌سفید نشان داده بود و نرد دوستی با آنها باخته بود؛ پس چرا آمریکا همراه با انگلیس به تحریم صنعت نفت ایران از سال ۱۳۳۰ روی آورد؟ آقای ناطق باید به خوبی بداند که علت اولین تحریم‌های ایران که سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی توسط آمریکا و انگلیس و متحدانشان بر کشور اعمال شد، به شکست کشاندن «ملی شدن صنعت نفت» ایران بود.

با این حساب تا زمانی که ایران (و نه جمهوری اسلامی) بخواهد در مسیر استقلال و خودکفایی حرکت کند با دسیسه و دشمنی آمریکا و هم‌پیمانانش مواجه بوده و خواهد بود. با توجه به این تجربه تاریخی آیا مردم ایران پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی حق نداشتند نسبت به احتمال کودتایی مشابه توسط آمریکا برای از بین بردن انقلاب نگران باشند و با تسخیر سفارت آمریکا برای برطرف کردن این نگرانی خود اقدام کنند؟

آیا جناب آقای ناطق‌نوری نمی‌دانند در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت آمریکا در تهران تبدیل به اتاق جنگ و کودتا شده بود و ژنرال هایزر با دستور کودتا وارد ایران شده و فعالیت‌های خود را از داخل سفارت آمریکا در تهران پیگیری می‌کرد؟ چنین اقدامی که مصداق بارز دخالت در امور داخلی ایران و توطئه‌چینی علیه انقلاب اسلامی ایران است با فعالیت‌های مرسوم وابستگان نظامی و امنیتی در سایر سفارتخانه‌ها در نقاط مختلف دنیا یکی است که آقای ناطق اصرار دارد آن را یکی بدانند!

سفارت آمریکا در تهران پس از انقلاب اسلامی نیز دست از دسیسه و اقدام علیه انقلاب ایران برنداشت. نگاهی گذرا به اسناد آمریکایی منتشرشده از سفارت پس از تسخیر آن به خوبی نشان می‌دهد ساکنان کاخ‌سفید چگونه برای ناامن کردن مرزهای ایران و مهره‌چینی در داخل ساختار اجرائی ایران اقدام کرده بودند. نادیده گرفتن این اسناد که حجم آن برابر با ۱۰ جلد کتاب حدوداً ۱۰۰۰ صفحه‌ای است و ارائه روایتی مخدوش از ریشه دشمنی آمریکا با ایران؛ ظلمی بزرگ به نسل آینده است که از جناب آقای ناطق‌نوری با سوابق درخشان مبارزاتی‌شان توقع نبود.

برخلاف آنچه آقای ناطق بیان می‌کنند تحریم‌های فعلی ایران چندان ریشه‌ای در تسخیر سفارت آمریکا در تهران در آبان ۱۳۵۸ ندارد. از همان سال تا سال ۱۳۸۹ ایران تحت تحریم‌های آمریکا و حتی قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل قرار داشت اما برای مثال هیچ جهش ارزی قابل‌توجهی در اقتصاد ایران رخ نداد چون تحریم‌های آمریکا بیشتر از آنکه واقعی باشند، نمادین بودند و کشورهای اروپایی و غیراروپایی به تجارت با ایران ادامه می‌دادند. آنچه نظام ویژه تحریم‌های ایران را رقم زد و مقامات آمریکایی را برای اعمال تحریم‌های فلج‌کننده تشویق و ترغیب کرد، اردوکشی خیابانی مدعیان اصلاحات علیه نظام جمهوری اسلامی با دروغ تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ بود که از قضا برخی دوستان آقای ناطق سردمداران این شورش علیه رأی مردم بودند.

با این حساب تسخیر سفارت آمریکا یا همان لانه جاسوسی و توطئه اشتباه نبود؛ آنچه اشتباه بود میدان دادن به پادوهای آمریکا و حمایت از آشوبگران فتنه ۸۸ بود که سنگین‌ترین تحریم‌های تاریخ انقلاب را پیش پای جمهوری اسلامی ایران گذاشتند.

از اسرائیل اصرار از پادوهای اسرائیل انکار!

جریان غربگرای داخل ایران به نیابت از روابط عمومی ارتش اسرائیل دست از انتشار و توزیع تحلیل‌های کم‌مایه با هدف تحقیر جبهه مقاومت و زیر سؤال بردن عملیات «طوفان‌الاقصی» برنمی‌دارد.

تازه‌ترین نمونه آن مربوط به سرمقاله یکی از روزنامه‌های صبح کشور است که علی‌رغم نامش در مسیری خلاف جمهوری اسلامی گام برمی‌دارد. این روزنامه مدعی شده است: «عملیات طوفان‌الاقصی یک اشتباه بود. ما از همان اولین لحظات دریافت خبر این عملیات بر این عقیده بودیم و اکنون که بیش از دو سال از انجام آن گذشته بر این باورمان راسخ‌تر شده‌ایم.» این روزنامه که ظاهراً حتی تاریخ شروع عملیات طوفان‌الاقصی را هم نمی‌داند و آن را ۱۵ شهریور ۱۴۰۲(!) اعلام کرده است؛ تمامی جنایات آمریکا و اسرائیل در منطقه طی دو سال اخیر را به حساب عملیات طوفان‌الاقصی گذاشته و همه را «از عوارض منفی عملیات طوفان‌الاقصی» دانسته است.

نویسنده حتی به خود زحمت نداده تا نگاهی گذرا به شرایط پیش از عملیات «طوفان‌الاقصی» بیندازد و مثلاً ببیند رژیم صهیونیستی یک سال پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با خیال خام اینکه کار مقاومت فلسطین به پایان رسیده و اراضی اشغالی برای او امن شده است؛ اقدام به برگزاری رزمایش «اربه‌های آتش» در قبرس کرد و در آن رزمایش نظامی جنگ با حزب‌الله لبنان و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را شبیه‌سازی کرد. در واقع حمله به لبنان و ایران بخش جدایی‌ناپذیری از برنامه رژیم صهیونیستی حتی پیش از عملیات طوفان‌الاقصی بود و اندیشکده‌های وابسته به ارتش رژیم صهیونیستی مانند «مؤسسه دادو» نیز آشکار از این هدف سخن می‌گفتند. با این حساب مجاهدان فلسطینی با انجام عملیات «طوفان‌الاقصی» محاسبات رژیم صهیونیستی را به هم ریختند و با جانفشانی خود، بار دیگر ارتش رژیم صهیونیستی را در اراضی اشغالی درگیر کردند و قوای آن را تحلیل دادند.

این روزنامه که سرمقاله خام و نسنجیده‌اش با استقبال رسانه‌های معاند خارج کشور و رسانه‌های عبری مواجه شده، ظاهراً حتی خبری از شرایط پس از عملیات طوفان‌الاقصی ندارد و یک‌بار هم اعتراف رسانه‌ها و چهره‌های صهیونیستی درباره موفقیت این عملیات به گوشش نخورده است. روز گذشته روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» اعتراف کرد که حماس از جنگ غزه سالم بیرون آمد و اهداف یحیی سنوار محقق شد. «حیم لوینسون» تحلیلگر سیاسی ایمن روزنامه نوشت: «جنبش حماس توانست تا آخرین روز جنگ، ساختار سازمانی و رهبری سیاسی خود را در نوار غزه حفظ کند.» او تأکید کرد که حماس همچنان یکی از بازیگران اصلی آینده غزه خواهد بود، زیرا گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به اسرائیل در داخل این منطقه نفوذ چندانی ندارند و با خروج ارتش اسرائیل، به‌سرعت از میان خواهند رفت. به گفته لوینسون، حماس با دو دستاورد بزرگ از این جنگ بیرون آمده است: «نخست، بازگرداندن مسئله فلسطین به صدر توجه جهانی پس از سال‌ها تلاش نتانیاهو برای عادی‌سازی و به حاشیه راندن آن؛ و دوم، آزادی صدها زندانی فلسطینی از زندان‌های اسرائیل؛ دستاوردی که در برابر ناتوانی تشکیلات خودگردان، با وجود همکاری کامل امنیتی با اسرائیل، تضاد آشکاری دارد.»

در همین زمینه «رونن برگمن» یکی از چهره‌های رسانه‌ای وابسته به نهادهای امنیتی اسرائیل در روزنامه عبری‌زبان «یدیعوت آحارونوت» با اعلام اینکه اهداف اعلامی نتانیاهو در غزه محقق نشده است؛ نوشت: «چهار شرط از پنج شرطی که نتانیاهو برای خود تعیین کرده بود، هنوز محقق نشده‌اند: حماس سلاح خود را حفظ کرده، نوار غزه خلع سلاح نشده، اسرائیل کنترل امنیتی کامل بر کل منطقه ندارد و هیچ تضمینی برای تشکیل اداره مدنی جایگزین وجود ندارد.» برگمن در ادامه تبلیغات رسانه‌ای که اسرائیل را در موقعیت برتر و مقاومت فلسطین را در موضع شکست به تصویر می‌کشد زیر سؤال برده و می‌گوید میان واقعیت میدانی و تبلیغات رسانه‌ای اختلاف وجود دارد.

ظاهراً دامنه این تبلیغات رسانه‌ای ارتش اسرائیل به ایران هم رسیده و جریان غربگرای داخلی و نشریات وابسته به آن در محتوای تولیدی خود قصد بازنمایی شکست از عملیات پیروزمندانه «طوفان‌الاقصی» برای افکار عمومی داخل ایران دارند. در حالی که می‌توان اظهارنظرها و گزارش‌های تحقیقی فراوانی از منابع اسرائیلی مشاهده کرد که در آن به شکست اسرائیل و پیروزی مقاومت فلسطین اصرار دارند؛ پادوهای اسرائیل در ایران سعی می‌کنند این شواهد را انکار کرده و به ایجاد تردید و شبهه در افکار عمومی بپردازند.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

نیش پشه!

گفت: چند تن از مدعیان اصلاحات خطاب به رئیس‌جمهور کشورمان گفته‌اند «آقای پزشکیان، فرصت‌ها چون ابر بهاری گذرا هستند، آنها را غنیمت شمارید»!

گفتم: خُب حرف خوبی زده‌اند. توصیه به غنیمت شمردن فرصت‌ها، یک توصیه خیرخواهانه است و نه فقط آقای پزشکیان، بلکه همه باید به آن توجه ویژه داشته باشند.

گفت: عمو یادگار! خوابی یا بیدار؟! منظورشان شرکت رئیس‌جمهور در اجلاس قاهره و ملاقات و مذاکره با ترامپ است!

گفتم: بعد از این همه بدعهدی و کینه‌توزی آمریکا علیه کشورمان، حمله مشترک نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و کشتار بیش از هزار تن از هموطنانمان، قتل‌عام صدها هزار نفر از مسلمانان مظلوم غزه، منفجر کردن میز مذاکره و تاکید آمریکا و اسرائیل که مذاکرات یک تله برای حمله نظامی بوده است و... خجالت نمی‌کشند که چنین پیشنهادی می‌دهند؟!

گفت: پیشنهادشان دشمن‌پسنده ولی خنده‌دار هم هست!

گفتم: ایول! پیشنهادشان مثل اینه که پشه کف پای آدمو نیش بزنه! ۵ دقیقه باعث جیزجیز میشه و ۵ ساعت باعث خنده!

نکته

آقای ناطق نوری از شما بعید بود!

۱- جناب آقای ناطق‌نوری در مصاحبه‌ای گفته‌اند: «از نظر من، تصرف سفارت آمریکا به‌عنوان «لانه جاسوسی» اشتباه بزرگی بود، به‌نظر می‌رسد بسیاری از گرفتاری‌ها از همان نقطه آغاز شد. وقتی بخواهیم راهکار پیشنهاد کنیم باید بدانیم مشکل چیست. مگر در سایر سفارتخانه‌ها در دنیا قسمتی برای امور اطلاعاتی و جاسوسی وجود ندارد؟ آنجا را اشغال کردند و آمریکا هم در یک عمل متقابل سفارتخانه ما را گرفت و پول‌های ما را بلوکه کرد. از آن زمان، مجموعه‌ای از مشکلات و واکنش‌ها ادامه پیدا کرد که به نظر من ناشی از همان تصمیمات اولیه بود»! حجت‌الاسلام والمسلمین جناب ناطق‌نوری از مبارزان پرسابقه‌اند و دقیقاً به همین علت اظهارنظر ایشان درباره تسخیر لانه جاسوسی عجیب به نظر می‌رسد! چرا که دیدگاه یاد شده، نه علمی است، نه منطقی است! نه با اسناد موجود همخوان است و با آموزه‌های اسلامی که ایشان باید مروج آن باشند نیز در تناقض آشکار است. بخوانید!

۲- اسناد لانه جاسوسی که کارکنان سفارت آمریکا با عجله سعی در امحاء آن داشتند ولی بخش اعظم آن با تلاش پیگیر و شبانه‌روزی دانشجویان تسخیرکننده بازسازی شده و در ده‌ها جلد کتاب چند صد صفحه‌ای چاپ شده است به وضوح نشان می‌دهد که سفارت آمریکا در ایران، به مرکز و ستاد عملیات جاسوسی، تروریستی و برنامه‌ریزی برای کودتا علیه جمهوری نوپای اسلامی ایران تبدیل شده بود. بعید است که جناب ناطق‌نوری با توجه به مسئولیت‌های بلندپایه‌ای که در نظام داشته‌اند، از این واقعیت بی‌خبر باشند!

۳- فرموده‌اند که پس از تسخیر لانه جاسوسی «مجموعه‌ای از مشکلات و واکنش‌ها ادامه پیدا کرد که به نظر من ناشی از همان تصمیمات اولیه بود»! بعید است آقای ناطق از این واقعیت بدیهی نیز بی‌خبر باشند که تقابل و درگیری آمریکا با ایران اسلامی، یک درگیری «ماهوی» است و از ماهیت طرفین درگیر ریشه می‌گیرد. دقیقاً به همین علت است که آمریکا در جریان انقلاب هزاران نفر از مردم ایران را به شهادت رساند و پس از آن تا قبل از تسخیر لانه جاسوسی طراحی چند کودتا، غائله‌آفرینی در مناطق مختلف ایران و... را به صحنه آورد و هیچ فرصتی را برای توطئه علیه ایران اسلامی و مردم شریف آن، از دست نداد.

۴- آقای ناطق داعیه پیروی از امام راحل(ره) و رهبر معظم انقلاب را دارند ولی فرض کنیم که - خدای نخواسته- ایشان خود را ملزم به تبعیت از نظرات آن بزرگواران در تسخیر لانه جاسوسی نمی‌دانند(!) در این حالت نیز فقط نیم‌نگاهی گذرا به دیدگاه امام راحل(ره) و خلف حاضر ایشان به وضوح از منطقی بودن، علمی بودن و ضروری بودن تسخیر لانه جاسوسی حکایت می‌کند. بخوانید!

**● امام خمینی، تسخیر لانه جاسوسی از سوی دانشجویان پیرو خط امام را انقلاب دوم نامیدند و از آن با عنوان انقلابی بزرگتر از انقلاب اول یاد فرمودند. حضرت ایشان در همان هنگام، آمریکا را شیطان بزرگ لقب داده و سفارت